

باترانه



هوشنگ ابتهاج

زین گونه‌ام که در غم غربت شکیب نیست  
گر سر کنم شکایت هجران غریب نیست  
جانم بگیر و صحبت جانانه‌ام ببخش  
کز جان شکیب هست و ز جانان شکیب نیست  
گم گشته دیار محبت کجارود  
نام حبیب هست و نشان حبیب نیست  
عاشق منم که یار به حالم نظر نکرد  
ای خواجه در دهست ولیکن طیب نیست  
در کار عشق او که جهانیش مدعی است  
این شکر چون کنیم که ما را رقیب نیست  
جانا نصاب حسن تو حد کمال یافت  
وین بخت بین که از تو هنوزم نصیب نیست  
گلبلانگ سایه گوش کن ای سرو خوش خرام  
کاین سوز دل به ناله هر عندلیب نیست

خواننده محمد اصفهانی

\*\*\*



مولانا جلال الدین بلخی

بیا بیا که شدم در غم تو سودایی  
در آرد آن که به جان ادمم ز تنهایی  
عجب عجب که برون آمدی به پرشش من  
ببین ببین که چه بی طاقتم ز شیدایی  
بده بده که چه آورده‌ای به تحفه مرا  
بنه بنه بنشین تادمی بر آسایی  
مرو مرو چه سبب زود زودی می بروی  
بگو بگو که چرا دیر دیر می آیی  
نفس نفس زده‌ام ناله‌ها ز فرقت تو  
زمان زمان شده‌ام بی رخ تو سودایی  
مجو مجوپس از این زینهار راه جفا  
مکن مکن که کشد کار ما به سوا بی  
برو برو که چه کز می روی به شیوه گری  
بیا بیا که چه خوش می خمی به رعنائی

خواننده: محسن چاوشی

\*\*\*



محمد سعید میرزایی

من بی قرار هستم و تویی قرار رفتنی  
اصلانه در فکر خودت هستی نه در فکر منی  
یک لحظه پیش من بمان تنهاییه ماندن فکر کن  
یک شب به روایی من و تنهایی من فکر کن  
وقتی که شب هاسایهات همراه با من می شود  
دنبال تو خانه به خانه شهر روشن می شود  
باتو ستاره به ستاره شب چراغان می شود  
یک شهر در میخانه چشم تو همچان می شود  
دریاشدی از من گذشتی و گرفتارت شدم  
حال مرا دیدی و خندیدی و بیمار شدم  
رفتی که دنبال خودت اشک مرا جاری کنی  
حالا فقط باید خودت از من پرستاری کنی

خواننده: سالار عقیلی

\*\*\*



حسین غیائی

توخنده دوری دریاد  
توقاصد کی دور از یاد  
من ز خمی قبل از مردن  
من ساکت قبل از فریاد  
داداز دل من دادای داد

عکسی که پر از رویا بود  
در خاطره‌ای تاز افتاد  
عکسی که در آن خندیدم  
از سینه دیوار افتاد  
داداز دل من دادای داد

آمده‌ام توبه داد دلم  
برسی، تو سکوت مرا بشنو  
که صدای غم نرسد به کسی،  
آمده‌ام توبه داد دلم برسی  
چوپرنده ز خمی بی پروبال رها شده از قفسی  
باید که ششی برسی به قرارم  
ایمان منی به خدا نسپارم  
می ترسم از این که زمان نگذارد  
چون دسته گلی برسی به مزارم  
آمده‌ام توبه داد دلم برسی  
خواننده: علیرضا قربانی

غلط نویسیم

یقہ/بخه

در ترکی به معنای «گریبان». هر دو صورت صحیح است و هر دو هم در گفتار و نوشتار به کار می‌رود.

سفارشات

واژه سفارش فارسی است و جمع بستن آن با «ات» خلاف قاعده است. به جای آن باید گفت: سفارش‌ها.

بر گرفته از کتاب «غلط نویسیم» ابوالحسن نجفی

# صدسالگی زرین روزگاران

درباره زنده یاد استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، ادیب، مترجم

تاریخ پژوه و نویسنده آثاری کم نظیر که آیین نکوداشت او به تازگی

در دانشگاه تهران و با پیام وزیر ارشاد برگزار شد



الهه آرانیان

calture@khorasannews.com

نهادهن در هزارتوی تاریخ، ساختار دیوار تاریخ ادبی و معرفتی ما را تکمیل می کند.

جایگاه زرین کوب در ادبیات فارسی

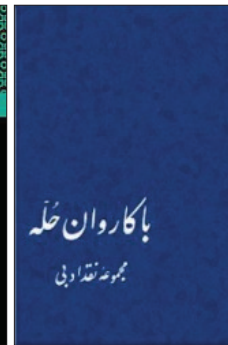
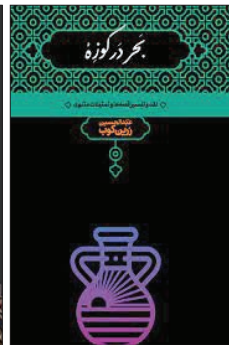
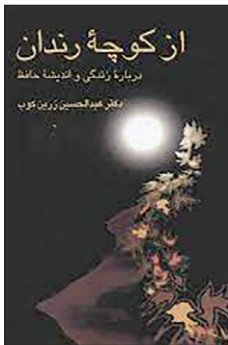
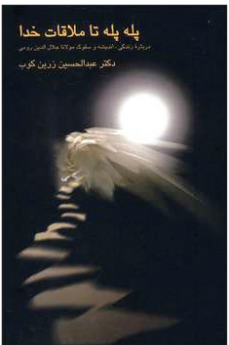
یکی از جنبه‌های مهم تأثیرگذاری دکتر زرین کوب، نقد ادبی و تحلیل آثار کلاسیک ادب فارسی است. کتاب‌های او در این زمینه، مرجع و راهنمای خوبی برای دانشجویان و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی است؛ کتاب «با کاروان حله» چند مقاله درباره شخصیت‌های برجسته ادب کلاسیک فارسی از جمله رودکی، خیام، حافظ و ابن‌یمین فریومدی پیش روی مخاطب می‌گذارد. کتاب «دیدار با کعبه جان»، یکی از کتاب‌های خوش‌خوان درباره خاقانی شروانی، شاعر پیچیده‌گوی قرن ششم هجری است. «بحر در کوزه» درباره اندیشه مولانا بحث می‌کند و تعدادی از تمثیل‌ها و حکایت‌های مولانا در مثنوی معنوی را شرح می‌دهد و «پله پله تا ملاقات خدا» هم از زندگی مولانا و تاریخ تصوف، به خواننده اطلاعاتی می‌دهد. اما یکی از آثار مهم ادبی دکتر زرین کوب که شاید کمتر به آن پرداخته شده، «حدیث خوش سعدی» است که تصویری از شیراز در روزگار سعدی از جمله طرز زندگی مردم شیراز، اخلاق حاکمان شیراز و حمله مغول‌ها به این شهر به دست می‌دهد و زندگی سعدی از کودکی تا بزرگ



سالی را روایت می‌کند. «از کوچه زندان» هم کتاب مشهور استاد زرین کوب درباره حافظ شیرازی، زندگی و غزلیات اوست که جزو کتاب‌های پر فروش ادبی هم هست. از دیگر آثار ادبی زرین کوب می‌توان به کتاب «از گذشته ادبی ایران» اشاره کرد که مروری بر نثر و شعر فارسی پانگاهی به ادبیات معاصر است. صادق خورشید، از مترجم‌های برجسته زبان عربی این کتاب را در سال ۹۹ به عربی ترجمه کرده و موفق به کسب جایزه ادبی «بن حمد» در قطر شد. یکی از بخش‌های مهم کتاب «از گذشته ادبی ایران»، پرداختن به تأثیر و تأثر زبان فارسی و زبان عربی در بخش‌های مختلف است.

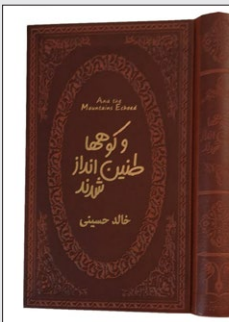
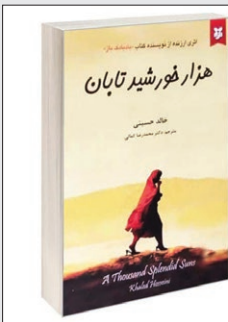
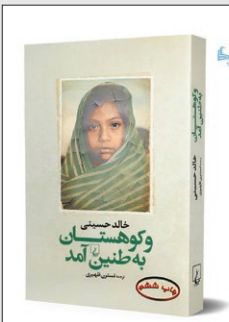
صیور و پر حوصله، اما بی‌ازار و تعریف و درود

داستان درباره زندگی شخصی انسان‌های بزرگ علاوه بر جذابیت، دربرگیرنده اطلاعات خوبی برای بیشتر شناختن آن شخصیت است. زنده‌یاد دکتر قمر آریان، همسر استاد زرین کوب، از نخستین دانش‌آموخته‌های دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و از نخستین استادان زن دانشگاه در ایران بود و به قول خودش ۴۵ سال از عمرش را در کنار استاد زرین کوب گذراند. دکتر آریان یک سال پیش از درگذشت استاد زرین کوب در مثنی درباره ایشان نوشت: «بعد از چهل و پنج سال زندگی مشترک حالا هر دو پیر شده‌ایم. عیدی دیگر آن جوان سپیده‌چرده باریک



## اندوه «بی‌وطنی» در آثار خالد حسینی

نگاهی گذرا به چند کتاب معروف نویسنده جوان افغانستانی که بارمان‌های خواندنی، توجه جهان را به سوی دردهای مردم کشورش جلب کرده است



به این زنان سخت‌کوش که هر کدام مثل خورشید تابانی هستند ادای دین کرده باشم.»  
در بادبادک‌باز، ذهن نویسنده کاملاً سفید و آزاد بوده و اصلاً قرار نبوده داستان به شخص یا طیف خاصی تقدیم شود و به عبارتی کتاب، کاملاً جوششی نوشته شده است؛ اما کتاب دوم، کتابی کوششی به نظر می‌آید و طبیعی است که ذهن مؤلف را اسیر چارچوب‌هایی کرده باشد و همین موضوع از قوت اثر بکاهد. در این کتاب هم جان‌مایه داستان، همان بی‌وطنی است که در بین سطرهای آن پدید می‌آید.  
«هزار خورشید تابان» در ایران توسط نشر مروارید با ترجمه مشترک کپریم سلیمان زاده و زیبا گنجی چاپ شده است.

«کوه‌ها انعکاس دادند»

برخلاف دو کتاب پیشین خالد حسینی، نام کتاب سوم او ارتباط مستقیمی با محتوای آن ندارد.  
کتاب اول با فرود آمدن یک بادبادک در گوشه غمگینی از جهان شروع می‌شود و با اوج گرفتن همان بادبادک در گوشه دیگری از جهان که دیگر به آن «گودی پرن» نمی‌گویند،

اول داستان است برای پسرش در تانکر خالی حمل سوخت که آن‌ها را قاچاقی به سرزمین نامعلومی می‌برد، در لحظات نفس‌گیر ترس و اضطراب، شعری از شاعران ایرانی می‌خواند. یا در بخشی دیگر حسن، شخصیت دوم داستان که در وطن خودش هم غریب است و انگار که به هیچ رگ و ریشه‌ای متصل نیست نوعی دیگر از بی‌وطنی را روایت می‌کند؛ و این روند تا انتهای داستان ادامه دارد و این درد از انسانی به انسانی دیگر تغییر شکل می‌دهد. در انتهای داستان هم پسری که در کشوری جدید زندگی می‌کند از هیچ چیز دنیا خوشحال نمی‌شود و حتی پرواز بادبادک‌ها یا به قول افغانستانی‌ها «گودی پرن» یا هم ذره‌ای برق در چشمان بی‌فروغش نمی‌اندازد و این نیز صورت دیگری از درد بی‌وطنی است. «بادبادک‌باز» در ایران با ترجمه مهدی غبرایی و توسط انتشارات نیلوفر منتشر شده است. در اهمیت این کتاب همین بس که «مارک فوستر» کارگردان و نویسنده سرشناس سوئیسی-آلمانی سینما فیلمی با اقتباس از آن، ساخته است.

«هزار خورشید تابان»

معمولاً در میان کتاب‌های هر نویسنده یک کتاب معروف‌تر است. در میان کتاب‌های خالد حسینی هم بادبادک‌باز این بخت را داشته، کتاب دوم او «هزار خورشید تابان» اگر چه رمان خوبی است اما به پای کتاب اولش نمی‌رسد. خود نویسنده درباره کتاب دومش گفته است: «بادبادک‌باز، حکایت مردان و پسران سرزمین است و هزار خورشید تابان قصه زنان و دختران کشورم و من خواسته‌ام

داستان‌های بلند و خواندنی هستند و به چند زبان ترجمه شده‌اند، درد بی‌وطنی بیش از همه بر مخاطب تأثیر می‌گذارد. از «بادبادک‌باز» که اولین و مهم‌ترین رمان او با روایت‌هایی از زندگی مردان و پسران سرزمین است تا «هزار خورشید تابان» که به قول خودش ادای دینی است به دختران و زنان افغانستان و همین‌طور کتاب آخرش با نام «و کوه‌ها انعکاس دادند»؛ در همه این آثار، راوی و شخصیت اول داستان‌ها به بی‌وطنی مبتلا هستند و این درد، کاملاً در طول داستان مشهود است.  
اما سؤال این جاست، مخاطبی که در وطن ندارد چگونه با این آثار همذات‌پنداری می‌کند و خودش را جای نویسنده می‌گذارد؟ در پاسخ باید گفت، ادبیات امروز، مرزهای جغرافیایی‌اش را از دست داده و نویسنده با مخاطبش در دهکده جهانی زندگی می‌کند و در یک جمله، موطن آدمی را بر هیچ نقشه‌ای نشانی نیست و درواقع موطن آدمی تنها در قلب کسانی است که دوستی دارند.

نگاهی به آثار برجسته خالد حسینی «بادبادک‌باز»

در میان آثار خالد حسینی، رمان بادبادک‌باز، بیش از همه در به‌دستی را معنا می‌کند و چنگ می‌اندازد به ذهن مخاطب تا او هم سهم اندکی در این اندوه داشته باشد. در بخشی از این رمان، پدر امیر که شخصیت



حیدر کاسی

calture@khorasannews.com

از گذشته‌های دور تا امروز، در میان آثار ادبی جهان که نویسندگانشان را به شهرت رسانده‌اند، بعضی از آثار روایتگر عشق‌اند، بعضی روایتگر اندوه، برخی هم بی‌وطنی را نوشته‌هایش بر نمی‌دارد و تبدیل به بغضی می‌شود که گلوئی مخاطبش را نیز می‌گیرد. شاید این ویژگی را بتوان به‌عنوان یکی از نقاط قوت کتاب‌های این نویسنده بیان کرد.

چرا که هنر، از رنج زاییده می‌شود و چه رنجی بالاتر از رنج بی‌وطنی؟ در سه کتاب معروف او که همگی



ادبی

بزرگداشت حکیم نظامی در موزه هنرهای معاصر



بزرگداشت حکیم نظامی گنجه‌ای در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود. به گزارش ایلنا، این مراسم با نمایش فیلم‌های «ایران سرای من است» و «مردی بدون سایه» همراه با نشست‌های تخصصی و سخنرانی فریده گلیو (رمان‌نویس) به مدت چهار روز از ۱۴ تا ۲۰ اسفند در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود. فیلم مردی «بدون سایه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علیرضا ربیسیان، دوشنبه ۱۵ اسفندماه ساعت ۱۵ به نمایش در می‌آید. قصه فیلم با الهام از داستان «ماهان کوشیار» نظامی و حکایت «زن پارسا» عطار نیشابوری نوشته شده و داستان مردی را روایت می‌کند که بر اثر اتفاقات تلخ دچار خشونت ناگهانی می‌شود. سخنرانی «فریده گلیو» با موضوع «جایگاه نظامی در ادبیات کلاسیک فارسی» در ۱۶ اسفند و نشست تخصصی در درو با هنرمندان تجسمی با موضوع «نظامی در آثار هنر معاصر» در روز ۲۰ اسفند برگزار می‌شود.

موسیقی

انتشار تک‌آهنگ خواجه‌امیری و برپایی کنسرت در اسفند



احسان خواجه‌امیری، خواننده‌پاپ، جدیدترین قطعه خود را منتشر کرد. اثر جدید خواجه‌امیری «تو که قلبمی» نام دارد و ترانه آن

سروده کارن موسوی است و حامد برادران آهنگ‌سازی و تنظیم آن را به عهده داشته است. خواجه‌امیری از جمله خوانندگانی است که قرار است در روزهای پایانی اسفند ۱۴۰۱ روی صحنه برود. کنسرت این خواننده، روز ۱۹ اسفند ماه در رویال هال اسپیناس پالاس تهران برگزار خواهد شد.

ادبیات جهان